



«یزید» چگونه به درک واصل شد / کدام حاکم اموی «مختار» را از زندان آزاد کرد

معاویه ثانی فرزند یزید پس از به درک واصل شدن پدرش، خود را از خلافت خلع کرد و آن را حق خاندان علی علیهم‌السلام دانست که نزدیک‌تر از هرکس به نبی اکرم(ص) بودند. او در این راستا بسیاری از شیعیان زندانی از جمله مختار را آزاد کرد.

معاویه ثانی فرزند یزید پس از به درک واصل شدن پدرش، خود را از خلافت خلع کرد و آن را حق خاندان علی علیهم‌السلام دانست که نزدیک‌تر از هرکس به نبی اکرم(ص) بودند. او در این راستا بسیاری از شیعیان زندانی از جمله مختار را آزاد کرد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، بیست و چهارم ربیع‌الثانی سال 64 هجری قمری، روز به درک واصل شدن یزید بن معاویه است که پس از آن فرزندش معاویه به خلافت رسید.

«دانشنامه امام حسین(ع)» درباره قول‌های مختلف علت مرگ ناگهانی یزید، می‌نویسد: در این زمینه قول‌ها مختلف هستند، اما مورخان، اتفاق نظر دارند که افراط در میگساری و بدمستی، موجب هلاکت او شد.

برخی گفته‌اند: وی هنگام رقص و در حال بدمستی به زمین خورد و مغزش متلاشی شد، برخی گاز گرفته شدن توسط میمونش را که با آن بازی می‌کرد و برخی کثرت میگساری و قی کردن پیاپی آن را عامل هلاکت او ذکر کرده‌اند. همچنین گزارش شده که صورت او پس از مرگ، همچون قیر سیاه شد و با ظاهری چون باطنش به عالم آخرت منتقل شد.

یزید که مجرم اصلی در فاجعه خونبار کربلا بود، تنها سه سال پس از این واقعه، در 38 سالگی با ننگ‌آمیزترین مرگ‌ها از دنیا رفت و با مرگش، حکومت ننگین خاندان ابوسفیان نیز پایان یافت.

در ادامه چگونگی این پایان سلطنت را مرور می‌کنیم.

بعد از به هلاکت رسیدن یزید دومین سلطان اموی در سال 64 هجری قمری، معاویه پسر یزید در اعتراض به خلافت ناحق بنی‌امیه و به ویژه پدرش، در یک سخنرانی عمومی سخن از حق اهل بیت پیامبر(ص) به میان آورد. معاویه بن یزید بسیاری از شیعیان زندانی از جمله مختار را آزاد کرد. همچنین وی خود را از خلافت خلع و آن را حق خاندان علی علیهم‌السلام دانست که نزدیک‌تر از هرکس به نبی اکرم(ص) بودند. بنابراین انتخاب خلیفه را به مردم واگذار کرد.

معاویه ثانی گفت که پدران من بر اولاد محمد رسول‌الله(ص) ظلم کردند و من خود را از حکومت خلع کردم، چرا که حق برای خلافت بردگان و آزادشدگان نیست و من برده فرزند برده هستم؛ لیس لطلاق فی‌الخلافة حق و انا الطلیق بن الطلیق!

درباره معاویه بن یزید (معاویه دوم) تقریباً تمامی منابع، اطلاعاتی مختصر و مشابه ارائه کرده‌اند که سن وی در این زمان، بین 18 تا 23 سال و مدت حکومتش بین بیست روز تا چهار ماه ذکر شده است.

غالب منابع، این اقدام معاویه دوم را حمل بر ضعف و کم‌سالی وی نموده‌اند؛ چنانکه در وجه تسمیه کنیه او نیز گفته‌اند: وی را به تحقیر ابولیلی می‌گفتند که از سامان دادن کارها، ناتوان بود و قوم عرب به مردان ناتوان چنین لقبی می‌دهد.

این نکته از آن رو قابل تأمل است که به دست گرفتن حکومت از طریق اعمال زور، به تدریج به یکی از مفاهیم مورد قبول بسیاری از اندیشمندان مسلمان در طول سده‌های متمادی درآمد. این متفکران علت دفاع خود از این نظریه را همانا ممانعت از در غلتیدن مسلمین به کام تفرقه عنوان می‌کردند. از این رو استدلال اصلی هواداران نخستین نظام موروثی نیز جلوگیری از ظهور تفرقه در جامعه و تبعات ناشی از آن بود.

به این ترتیب از نگاه عموم وقایع نگارانی که قرن‌ها بعد عملکرد معاویه دوم را مورد داوری قرار دادند، وی را کودکی ضعیف معرفی کرده‌اند. اما همین - به اصطلاح - کودک ضعیف در سخنرانی خود، پدربزرگش معاویه بن ابی سفیان را به علت منازعه با علی بن ابی طالب (ع) و پدرش یزید را به علت عدم شایستگی برای احراز مقام خلافت، به شدت مورد حمله قرار داد و صریحاً اعلام کرد که در میان مردم کسانی هستند که از من بر این کار سزاوارترند.

معاویه دوم پس از ایراد این سخنرانی جنجالی، راهی خانه خویش شد تا در آنجا انزوا گیرد و به عبادت بپردازد. وی زمانی که با

سرزنش وقیحانه مادر خویش روبه رو شد، باز هم بر موضع خود پافشاری کرد و گفت: «کاش... این کار را به گردن نگرفته بودم. آیا بنی امیه از لذت خلافت شادکام شوند و من کسانی را که شایسته این مرتبت هستند از مقامشان باز دارم... نه، هرگز! من از چنین خلافتی بیزارم.» زندگی غریب معاویه دوم با مرگی زود هنگام و مشکوک به پایان رسید.

منابع درباره علت مرگ معاویه دوم به مواردی چون مسمومیت، جراحات ناشی از سوء قصد، بیماری طاعون و همچنین مرگ طبیعی اشاره کرده‌اند. با مرگ معاویه دوم، بحران جانشینی سلسله اموی وارد مرحله حادثی شد زیرا هیچ یک از افراد خاندان سفیانی حاضر به پوشیدن ردای خلافت نبودند و چنین بود که شاعری گفت: «فتنه‌ای می‌بینم که دیگ‌های آن می‌جوشد و از پس ابولیلی، ملک از آن کسی است که چیره شود».

منابع:

– دانشنامه امام حسین(ع)

-تاریخ طبری

-تتمة المنتهی

-نجوم الزاهراه، استاد قاضی طباطبایی در تعلیقات و حواشی بر تجارب السلف